

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائیل ایدئولوژیک

محمد آصف فقیری

۱۱ جون ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

وجود و موجود!

طبق گفته قرآن، خداوند به همه اشیاء و مخلوقات محیط می باشد. اما بصیرت که وجود الهی را، در مقدم و فنای ممکنات ببیند، در وجود نور پذیر انسان داده است، همانا بار امانت یا سیر عقل و عشق یا روح منور و عقل منکشف، که حاکم شدن انسان بالای وجود خودش، عبارت از کرامت و تاج کرامت یعنی متفکر و عاشق به وجود خود، و اندر درون خودش خدا ... این عمق و ژرف نگری انسانی لامنتهی و نور اندر نور پذیری و انرژی سازنده هستی و جوهر وصل انسانی، که گوهر انسانی وحدت در واحد لایزالی می باشد.

ادیان و وحدت الوجود:

همه ادیان به وحدت الوجود باور دارند، که محصول وحدت الوجود پدیداری عشق می باشد. زیرا همه ادیان مدعی هستند که پیروان شان را به حقیقت وصل می کند. یعنی سیر و سلوکی که پیرو یا فرد را، شیطان سازد و پدیداری شیطان انسانی عبارت از: پیش داروی، برتری جوئی و مجموعه نقض حقوق بنیادین بشر می باشد، دین نیست. اما منسوخ شدن ادیان گذشته با ظهور اسلام، به مفهوم این که سایر ادیان راه به سوی شیطان نفرین شده نیست. زیرا پسا اسلام و پیروان اسلام با خانم هائی از اهل کتاب می توانند عقد نکاح بسته کنند. یعنی به مانند این که: گوشی همراه آیفون ۱۵ از آیفون ۲ و یا ۳ کرده، کارکردش بهتر و خوب تر است، طبق همین مثال اسلام نظر به سایر ادیان راهی نزدیکتر به حقیقت می باشد. و یادآوری کنم که اسلام سیاسی نیز دین به سوی حقیقت نیست و در نوشته های قبلی اسلام سیاسی را، بارها شرح داده ام.

پس تعصب و برتری جویان در باور دینی به مفهوم جهل فردی و ناقص بودن فردی می باشد، نه جوهره مفهومی متون مقدس، که آزادی اعتقادی و برابری اعتقادی از تکریم انسانی در جامعه برجسته شده است. که البته پیرو هر دین، دینش

برایش عزیز دانسته می شود، و از همینجاست که نبی مکرم ما حضرت محمد(ص) امر کرده تا به پیروان سایر ادیان احترام و عزت قایل شویم.

استعداد و تناسب فطرت:

هر موجودی استعدادست که هست و استعداد و فطرت انسانی با اراده و کوشش فردی بستگی دارد، که نارسائی بعضی یا درک نکردن حقیقت، منجر به مجموعه اعمال در جوامع اسلامی شده، همانا جهاد اسلامی که جامعه عقب مانده و تباهی و آفت به طور روزافزون مشهود شود. یعنی شکل ارزش و محیط شدن به چنین فضای پوچ یا نهیلیست فرسنگ ها دور، از عمق معنا و معرفت می باشد.

این حالت قوت اسلام سیاسی و بستر جنگ های نیابتی می شود، که افغانستان از ۱۹۱۹ و الخصوص پسا ۱۹۹۲ در این آتش سوخته روانست. که رحمت خدواند بالای جامعه ما، مجموعه نویسندگان و متفکران اند که چنانی باید از آنها در فضای رسانه ئی استفاده شود نمی شود. زیرا دیپلماسی و مذاکره یکنانه و تنها گزینه می باشد که ختم جنگ و جهل، و رخنه هائی به سوی متعالی و سعادت می گردد. و دیو سیرتی در روان یا سرشت جهل و جهل ساختن یا در جهل نگهداری کردن جوامع عقب مانده، سودی برای بعضی بازیگران بین المللی نیز می باشد. که دانائی و درک حقیقت یا وصل وجود حکیم مطلق، مصادق وحدت الوجود یا ایمان حق الیقین یا فنا فی الله است.

محمد آصف فقیری